



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه عالی نواب

پایان نامه سطح سه

رشته تخصصی کلام اسلامی

عنوان:

آموزه های اعتقادی صحیفه سجادیه و تأثیر آنها بر

انحراف زدایی اعتقادی و اخلاقی

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین آقای فیض آبادی زید عزه

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید مجید ظهیری زید عزه

تدوین و نگارش:

سید جلیل حسینی

سال تحصیلی ۱۴۰۰

تقديم به:

این نوشتار را از اعماق وجودم تقديم می‌کنم به ساحت مقدس

امام زین العابدین، امام سجاد علیه السلام

و تقديم به روح رفیوح مادر عزیزم

تشکر و قدردانی

بر خود لازم می‌دانم از مسئولین محترم مدرسه علمیه عالی نواب تشکر کنم که در این زمینه پیگیری‌های لازم را دارند تا طلاب را با پژوهش آشنا سازند و همچنین محیط مناسبی را فراهم نموده‌اند تا پژوهشگران محترم به منابع مختلف دسترسی داشته باشند.

و نیز لازم است از اساتید معظم خودم که در تدوین این نوشتار زحماتی را متقبل شده‌اند و اینجانب را یاری رسانده‌اند به ویژه حجت الاسلام والمسلمین آقای فیض آبادی که راهنمایی این اثر را برعهده داشتند و حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید مجید ظهیری که مشاور بنده بودند و نقش اساسی در انتخاب موضوع داشتند، تقدیر و تشکر نمایم و همچنین از پدر و همسرم که در این راه همگام و همقدم بنده بودند سپاسگزاری کنم و برای این عزیزان تندرستی و توفیق روز افزون برای خدمتگذاری به مکتب اهل بیت علیهم السلام را طلب نمایم.

چکیده:

در این پژوهش پیش رو، که آن را به دو بخش تقسیم نموده ایم، در بخش نخست مطالبی حاوی یک مجموعه کلیات که شامل زندگینامه امام سجاد علیه السلام، ادله امامت ایشان، سیمایی از عصر امام سجاد علیه السلام و انحرافات موجود در آن عصر، شیوه مبارزاتی آن حضرت با انحرافات مذکور و نیز حاوی یک مجموعه مفاهیم مانند دعا، اخلاق و در پایان نیز در رابطه با ارزش و اهمیت و سند صحیفه سجادیه سخن به میان آمده است.

در بخش دوم، بحث را در دو مبحث مسائل اعتقادی و اخلاقی پیش برده ایم. در مبحث نخست برخی از مسائل اعتقادی را همراه با شاهد مثال هایی از صحیفه سجادیه ذکر کرده ایم و در مبحث دوم نیز برخی از مسائل اخلاقی را همراه با شاهد مثال بیان نموده شده است.

کلید واژه ها:

امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، مسائل اعتقادی، مسائل اخلاقی

فهرست مطالب

.....	مقدمه
.....	تعریف و تبیین موضوع
.....	ضرورت تحقیق
.....	اهداف تحقیق
.....	پیشینه تحقیق
.....	پرسش اصلی
.....	پرسش های فرعی
.....	فرضیه ها
.....	روش تحقیق

بخش اول: کلیات و مفاهیم

.....	فصل اول: شخص شناسی و شخصیت شناسی امام سجاد علیه السلام
.....	مبحث اول: ولادت، محل زندگی و شهادت
.....	مبحث دوم: القاب و کنیه های امام سجاد علیه السلام
.....	مبحث سوم: شخصیت امام سجاد علیه السلام
.....	فصل دوم: ادله امامت امام سجاد علیه السلام
.....	گفتار اول: ادله عام
.....	گفتار دوم: دلیل خاص
.....	تصریح امام حسین علیه السلام به امامت امام سجاد علیه السلام
.....	فصل سوم: سیمایی از انحرافات عصر امام سجاد علیه السلام و شیوه مبارزاتی ایشان
.....	مبحث اول: ویژگی های عصر امام سجاد علیه السلام
.....	مبحث دوم: وضعیت شیعیان در عصر امام سجاد علیه السلام
.....	مبحث سوم: شیوه مبارزاتی امام سجاد علیه السلام
.....	گفتار اول: زنده نگه داشتن جنبش سرخ عاشورا
.....	گفتار دوم: پند و ارشاد

گفتار چهارم: تبیین معارف دین در قالب دعا.....

فصل سوم: انحراف و انواع آن و بررسی انحرافات عصر امام سجاد علیه السلام.....

مبحث اول: تعریف انحراف.....

مبحث دوم: انواع انحراف.....

مبحث سوم: برخی از انحرافات عصر امام سجاد علیه السلام.....

گفتار اول: نمونه هایی از انحرافات اعتقادی.....

الف) غلو نسبت به معصومین علیهم السلام.....

ب) تشبیه.....

ج) تشکیک نسبت به امامت امام سجاد علیه السلام.....

د) ارجاء یهودی.....

گفتار دوم: نمونه های از انحطاط فکری، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی در عصر امام سجاد علیه السلام.....

فصل چهارم: تعریف دعا و ضرورت آن.....

مبحث اول: معنای لغوی.....

مبحث دوم: تعریف دعا به وجود.....

مبحث سوم: ضرورت دعا از نگاه قرآن.....

مبحث چهارم: ضرورت دعا از نگاه روایات.....

مبحث پنجم: ضرورت دعا از نگاه عقل.....

مبحث ششم: پیشینه دعا.....

فصل پنجم: افعال و اخلاق انسانی.....

مبحث اول: تقسیم و تعریف افعال انسان.....

الف) افعال طبیعی.....

ب) افعال اخلاقی.....

مبحث دوم: تعریف اخلاق در لغت و اصطلاح.....

الف) تعریف اخلاق در لغت.....

ب) تعریف اخلاق در اصطلاح.....

فصل ششم: اهمیت، جایگاه و سند صحیفه سجادیه.....

-مبحث اول: ارزش، اهمیت و جایگاه صحیفه سجادیه.....
-مبحث دوم: سند صحیفه سجادیه.....
-مبحث سوم: جایگاه صحیفه سجادیه در میان علمای شیعه.....
-مبحث چهارم: جایگاه صحیفه سجادیه از دیدگاه یکی از علمای اهل تسنن.....

بخش دوم: بررسی گزیده ای از مسائل اعتقادی و اخلاقی در صحیفه سجادیه

-فصل اول: انحرافات اعتقادی.....
-مبحث اول: معرفت خداوند.....
-نتیجه گیری پایانی بحث.....
-مبحث دوم: تشبیه صفات خداوند به صفات مخلوقات.....
-الف) نفی اعتقاد به جسمانیت الهی در ادعیه صحیفه سجادیه.....
-ب) دیدگاه تجسیم در عصر امام سجاد علیه السلام.....
-ج) روایات ناظر به نفی عقیده تجسیم.....
-۱. روایت امام رضا علیه السلام.....
-۲. روایت امام صادق علیه السلام.....
-نتیجه گیری پایان بحث.....
-مبحث سوم: جبر گرایی.....
-گفتار اول: جبر در لغت.....
-گفتار دوم: جبر در اصطلاح.....
-گفتار سوم: شبهه جبریون و پاسخ آن.....
-گفتار سوم: پاسخ جبریه با نگاهی به صحیفه سجادیه.....
-۱. اوامر و نواهی الهی.....
-۲. آزمایش های الهی.....
-۳. وعده و عیدهای الهی.....
-گفتار چهارم: ارتباط این فرازاها با نفی جبر و اثبات قدرت مطلقه الهی.....
-مبحث چهارم: تفویض.....
-گفتار اول: تفویض در لغت.....

گفتار دوم: تفویض در اصطلاح.....

گفتار سوم: شبهه مفوضه و پاسخ آن.....

گفتار چهارم: پاسخ مفوضه با نگاهی به صحیفه سجادیه.....

گفتار پنجم: ارتباط این فراها با نفی تفویض و اثبات قدرت مطلقه الهی.....

گفتار ششم: نظر حق در باب افعال خلق.....

نتیجه گیری پایانی بحث جبر و تفویض.....

مبحث پنجم: عدم اعتقاد به خاتمیت و حفظ وحی.....

گفتار اول: امانتداری و خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قرآن کریم.....

گفتار دوم: امانتداری و خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در صحیفه سجادیه.....

گفتار سوم: شبهه و پاسخ آن.....

تحلیل و بررسی شبهه.....

۱. طریق عقلی.....

۲. طریق اعجاز.....

آیات تحدی.....

۳. اخبار و تنصیحات پیامبران پیشین.....

نتیجه گیری پایانی بحث.....

مبحث ششم: عدم اعتقاد به امامت.....

گفتار اول: معنای امامت.....

گفتار دوم: امامت در عصر امام سجاد علیه السلام.....

گفتار سوم: مسأله امامت در صحیفه سجادیه.....

نتیجه گیری پایان بحث.....

مبحث هفتم: عدم اعتقاد به معاد.....

گفتار اول: ادله عقلی اثبات معاد.....

الف) پدیده های مشابه معاد.....

ب) عدم وجود بی هدفی در نظامات عالم.....

گفتار دوم: معاد در صحیفه سجادیه.....

گفتار سوم: پیوند میان امور دنیوی و امور اخروی.....

نتیجه گیری پایانی بحث.....

فصل دوم: انحرافات اخلاقی.....

مبحث اول: حرص.....

الف) علل و عوامل حرص.....

ب) فرجام.....

ج) راه درمان.....

د) فرازی از صحیفه سجادیه.....

مبحث دوم: غضب.....

الف) علل و عوامل غضب.....

ب) فرجام.....

ج) راه درمان.....

د) فرازی از صحیفه سجادیه.....

مبحث سوم: حسد.....

الف) علل و عوامل حسد.....

ب) فرجام.....

ج) راه درمان حسد.....

د) فرازی از صحیفه سجادیه.....

مبحث چهارم: سوء خلق.....

الف) علل و عوامل سوء خلق.....

ب) فرجام.....

ج) راه درمان.....

د) فرازی از صحیفه سجادیه.....

مبحث پنجم: پیروی از هوای نفس.....

الف) علل و عوامل پیروی از هوای نفس.....

ب) فرجام پیروی از هوای نفس.....

ج) راه درمان.....

د) فزازی از صحیفه سجادیه.....

مبحث ششم: مداومت بر گناه.....

الف) علل و عوامل اصرار بر گناه.....

ب) فرجام مداومت بر گناه.....

ج) راه درمان.....

د) فزازی از صحیفه سجادیه.....

مبحث هفتم: ترک سپاس در برابر احسان دیگران.....

الف) علل و عوامل ترک سپاس در برابر خوبی دیگران.....

ب) فرجام.....

ج) راه درمان.....

د) فزازی از صحیفه سجادیه.....

مبحث هشتم: کمک به ستمگر.....

الف) علل و عوامل کمک به ستمگر.....

ب) فرجام.....

ج) راه درمان.....

د) فزازی از صحیفه سجادیه.....

مبحث نهم: سخن به غیر علم.....

الف) علل و عوامل سخن به غیر علم.....

ب) فرجام.....

ج) راه درمان.....

د) فزازی از صحیفه سجادیه.....

مبحث دهم: غش با مردم.....

الف) علل و عوامل غش ورزیدن.....

ب) فرجام.....

ج) راه درمان.....

.....(د)فرازی از صحیفه سجادیه.....

.....مبحث یازدهم: آرزوی دراز.....

.....الف) علل و عوامل آرزوی دراز.....

.....ب) فرجام.....

.....ج) راه درمان.....

.....(د)فرازی از صحیفه سجادیه.....

.....مبحث دوازدهم: تسلط شیطان.....

.....الف) علل و عوامل تسلط شیطان.....

.....ب) فرجام.....

.....ج) راه درمان.....

.....(د)فرازی از صحیفه سجادیه.....

.....مبحث سیزدهم: اسراف.....

.....الف) علل و عوامل اسراف.....

.....ب) فرجام اسراف.....

.....ج) راه درمان.....

.....مبحث چهاردهم: نیازمندی به غیر خدا.....

.....الف) علل و عوامل نیاز به مثل خود.....

.....ب) فرجام.....

.....ب) راه درمان.....

.....ج)فرازی از صحیفه سجادیه.....

.....مبحث پانزدهم: مرگ بدون توشه.....

.....الف) علل و عوامل مرگ بدون زاد و توشه.....

.....ب) فرجام.....

.....ج) راه درمان.....

.....(د)فرازی از صحیفه سجادیه.....

.....مبحث شانزدهم: عاقبت به شر شدن.....

الف) علل و عوامل عاقبت به شر شدن.....

ب) فرجام.....

ج) راه درمان.....

د) فرازی از صحیفه سجادیه.....

نتیجه گیری.....

منابع و مأخذ.....

مقدمه

شاید بتوان گفت که هیچ دورانی مانند عصر امام سجاد علیه السلام نبوده است. چون آن عصر، دورانی پر از اضطراب و غم بود و مردم به خاطر ظلم فراوان امویان ناچار به پیروی از عقائدی بودند که از آن‌ها بیزار بودند. در حقیقت روح آرامش و زندگی شرافتمندانه در مردم از بین رفته بود. اضطراب و وحشت سراسر وجود مردم را گرفته بود. دلیل آن هم فساد دستگاه اموی بود، چرا که آنان با تمام قوای خود به نشر فساد در جامعه می پرداختند.^۱

دوران زندگانی امام سجاد علیه السلام برابر با حکومت امویان شده بود و این دوره سراسر خفقان و تاریکی و استبداد بود و چون حضرت، یادگار نهضت عاشورا بودند. بنابراین حکومت مستبد وقت، حضرت را در منزل خود محاصره و زندانی کرده بود تا علاوه بر مخفی نمودن ابعاد مختلف قیام عاشورا، ظلم‌هایی نیز که در حق دین و ائمه ی برحق بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روا داشته شده بود، روشن و آشکار نشده و چهره سیاه و ظالمانه امویان برای مردم برملا نگردد. بنابراین با توجه به کنترل، تسلط و رعب و وحشت فراوانی که از سوی امویان صورت پذیرفته بود و تمام حرکات و سکنات حضرت و شیعیانشان نیز زیر نظر حکومت جور آن زمان بود، می توان با اطمینان و یقین گفت که اگر قیام مسلحانه « که برخی‌ها آن را مطرح می کنند » از سوی حضرت صورت می گرفت، قطعاً محکوم به شکست و ناکامی بود. از طرفی، با فتوحانی که به دست امویان صورت گرفته بود، راه برای ورود عقاید و افکار خرافی و غلط و غیر دینی از سوی ملت‌های بیگانه باز شده بود و نظر به اینکه، چون برخی از این عقاید نادرست، مؤید اعمال ناشایست و ظالمانه امویان بود، عمال آنان نیز آرام ننشستند و برای پیشبرد هر چه بیشتر اهداف شوم خود، شروع به ترویج آن افکار و اعتقادات نادرست و نشر شبهات در دین نمودند و همین امر باعث شد تا مردم از اهل بیت علیهم السلام فاصله بگیرند و دچار انحرافات اعتقادی و اخلاقی گردند.^۲

در چنین شرائط نگران کننده ای که انتظار نابودی مکتب اهل بیت علیهم السلام می رفت، امام سجاد علیه السلام، با اقدامات مختلف خود، از جمله بهره مندی از شیوه دعا، توانست به مکتب شیعه، روحی دوباره بخشد،^۳ آن را از گرداب شبهه افکنی‌ها و خرافه گویی‌های امویان، نجات دهد و در این هنگام که جامعه دچار دنیا طلبی و رفاه زدگی و انواع مفاسد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی شده بود، امام سجاد علیه السلام،

۱. شریف القرشی، پژوهشی کامل در زندگانی امام زین العابدین، حضرت سجاد علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲. رنجبر، محسن، نقش امام سجاد علیه السلام در رهبری شیعه، ص ۸۱.

۳. رضوانی، علی اصغر، پیام‌ها و هدایت‌ها در صحیفه سجادیه، ج ۱، ص ۳۸.

توانست عقائد و معارف ناب اسلام را در لابلای ادعیه خویش ابراز دارد و مردم نیز می توانستند، از طریق ادعیه با آن معارف آشنا شوند.^۱

۱. جعفریان، رسول، تاریخ خلفا، ج ۲، ص ۶۲۱.

تعریف و تبیین موضوع

مقصود ما از این موضوع، بررسی تأثیر گذاری معارف و مطالب عمیق اعتقادی استخراج شده از صحیفه سجادیه بر انحراف زدایی اعتقادی و اخلاقی جامعه می باشد.

بنابراین مقصود از بخش اول عنوان پایان نامه یعنی، آموزه های اعتقادی صحیفه سجادیه، مجموعه معارف و عقاید دینی است که از متن ادعیه صحیفه سجادیه، استخراج می گردد و منظور از بخش دوم، بررسی تأثیر گذاری آن دسته از معارف فوق، بر جامعه بشری، برای بهره گیری در زمان حال است.

ضرورت تحقیق

همانطور که می دانیم، امروزه و در جهان معاصر، وجود مشکلات اقتصادی، امنیتی، سیاسی و... باعث ایجاد فشارهای روحی، روانی و جسمی زیادی روی افراد گشته و بعضاً موجب ناامیدی و گریز از دین و در بعضی مواقع، موجب دشنام از سوی افراد بعضاً متدین به خدا و دین شده است. بنابراین ضرورت ایجاد می کند تا تکیه بر سیره امام معصوم علیهم السلام، که هیچ گونه خطا و اشتباهی در آن راه ندارد و تطبیق و اعمال آن سیره بر مشکلات زمان حال، تا حدی بیماری های اعتقادی و اخلاقی را درمان نمایم.

اهداف تحقیق

۱. تبیین صحیح سیره امام سجاد علیه السلام در برخورد با انحرافات اعتقادی و اخلاقی زمان ایشان.
۲. استفاده تطبیقی از سیره ایشان برای درمان مشکلات اعتقادی و اخلاقی حال حاضر امت اسلامی.

پیشینه تحقیق

از آنجا که توجه به ادعیه مأثوره از معصومین علیهم السلام به طور عام و ادعیه صحیفه سجادیه به طور خاص و تأثیر عمیق معارف بلند و ژرف آن ادعیه، اخیراً بیشتر مورد توجه پژوهشگران و نویسندگان و گسترانندگان عرصه دین و مذهب قرار گرفته است، بنابراین این آثار از حیث کمی و کیفی، افزایش داشته است که طبق بررسی های صورت گرفته، به چند مورد از پایان نامه ها و متب نگاشته شده در این زمینه، اشاره می گردد. البته این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که موضوع برخورد امام سجاد علیه السلام، موضوع بسیار مهمی است که

جای بیشتری را برای کار می‌طلبید که امید می‌رود که تحقیق پیش‌رو زمینه برای افزایش پژوهش‌های بیشتر در این مجال را فراهم نماید.

از جمله پایان‌نامه‌ها می‌توان موارد ذیل را نام برد:

۱. روش‌های امام سجاد علیه السلام در بهره‌گیری از دعا در مبارزه با انحرافات اجتماعی، سکینه حدادی، استاد راهنما محمد مولوی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

۲. رویکرد صحیفه سجادیه به اخلاق اجتماعی، حمیدرضا حق‌شناس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما محمد علی تجری، دانشگاه قم.

۳. نقش امام سجاد علیه السلام در معارف اعتقادی امامیه، سید احمد احمدزاده، استاد راهنما علی‌راد، دانشگاه علوم حدیث قم.

از جمله کتب در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. عادل ادیب، چ ۱۳۶۱، زندگی تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه اسدالله مبشری، انتشارات فرهنگ اسلامی.

۲. حسینی جلالی، محمدرضا، چ ۱۳۸۲، جهاد امام سجاد علیه السلام، ترجمه موسی دانش، انتشارات آستان قدس رضوی.

پرسش اصلی

آموزه‌های صحیفه سجادیه چیست و چه تأثیری بر انحراف زدایی اعتقادی و اخلاقی جامعه دارد؟

پرسش‌های فرعی

۱. مؤلفه‌های انحرافات در دوران امام سجاد علیه السلام، شامل چه مواردی است؟
۲. راهکارهای امام سجاد علیه السلام برای مبارزه با این انحرافات چه بوده است؟
۳. چگونه می‌توان از سیره امام سجاد علیه السلام، جهت بهره‌مندی در مسیر مقابله با انحرافات حال حاضر جوامع اسلامی استفاده نمود؟

فرضیه ها

۱. صحیفه سجادیه، منبعی بزرگ و ناب برای دستیابی به معارف عالی اعتقادی، اعم از خداشناسی، توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد است.

۲. وقتی که این معارف ناب اعتقادی در جوامع بشری، تبیین و تشریح گردد و ایمان افراد بشر نسبت به این اعتقادات تقویت شود، مسلماً در پی آن عمل به تعهدات اخلاقی در جامعه افزایش خواهد یافت.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، بنا به اقتضای موضوع، به صورت فیش برداری به روش کتابخانه ای و در برخی موارد هم از روش تحلیلی و توصیفی، جهت جمع بندی و تنظیم مطالب در هر بخش متناسب با اهداف مورد نظر این پژوهش، بهره گیری شده است.



بخش اول: کلیات و مفاهیم

فصل اول: شخص شناسی و شخصیت شناسی امام سجاد علیه السلام

مبحث اول: ولادت، محل زندگی و شهادت

او، امام چهارم شیعیان و فرزند حسین بن علی علیهما السلام - امام سوم شیعیان - مادرش، شهربانو و مشهورترین القاب حضرت سجاد و زین العابدین است. شهربانو شدیداً مورد توجه خاص امیرالمؤمنین علیه السلام است. به طوری حضرت نسبت به نیکی و احسان درباره او به فرزندش امام حسین علیه السلام سفارش های زیادی می کند و شهربانو را زنی پسندیده که بهترین فرزند را به دنیا خواهد آورد، به شمار می آورد و او را به خاطر اینکه مادر نه امام معصوم هستند، مادر اوصیاء خطاب می نماید.^۱ امام حسین علیه السلام توجه بسیار ویژه ای نسبت به این بانوی گرامی داشتند. به طوری که او را نسبت به سایر همسران خود مقدم می داشتند و به نحوی امام حسین علیه السلام به حضرت شهربانو محبت داشت و با تعلیمات دینی آشنا کرده بود که او به طور کلی نسبت به سلطنت و تشریفات آن بی میل و بی رغبت شده بود و آن کاخ ها و ثروت ها و مقام های عالی دربار را از یاد برده بود و به گونه ای فضیلت کسب کرده بود که فضائل او مورد توجه بسیاری از مورخان همچون مبرد، ابن شدقم، گنجی و غیره قرار گرفته بود.^۲

امام سجاد علیه السلام، در سال سی و هشت قمری، در پنجم شعبان، در شهر کوفه به دنیا آمد. کودکی خود را در مدینه گذراند. درباره زمان و مکان تولد امام سجاد علیه السلام اختلافاتی وجود دارد که برای مطالعه بیشتر خوانندگان آن ها به کتب مربوطه ارجاع می دهیم. اما درباره زمان تولد آن حضرت، ما همان قولی را که روایان و مورخان بر آن اجماع دارند، انتخاب نموده و در بالا آورده ایم و در مورد مکان تولد ایشان هم، از میان اقوال، شهر کوفه را برگزیده ایم. دلیل آن هم این است که چون اجماع روایان و مورخان بر این است که امام سجاد علیه السلام، دو سال پیش از شهادت امام علی علیه السلام به دنیا آمده است و از سوی دیگر چون که امام حسین علیه السلام و اعضای خانواده او در کوفه بوده اند و در طول خلافت امام علی علیه السلام به جای دیگری هجرت نکرده اند، بنابراین امام سجاد علیه السلام نیز در کوفه به دنیا آمده اند.^۳

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهدات، ج ۵، صص ۱۴ و ۲۱۴.

۲. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، صص ۴۴ تا ۴۷.

۳. همان، صص ۵۲ و ۵۳.

دو سال از خلافت خلافت حضرت علی علیه السلام، ده سال دوران امامت امام حسن مجتبی علیه السلام و حوادث و فراز و نشیب های آن عصر و ده سال نیز هم دوره با پدرش امام حسین علیه السلام و مبارزات او با معاویه بود.

در محرم سال ۶۱ هجری نیز در واقعه کربلا حضور داشت و پس از شهادت پدرشان، امام حسین علیه السلام به منصب امامت رسید. ایشان پس از واقعه کربلا همراه سایر اسراء به کوفه و شام منتقل شد و در مدت اسارت، پشتیبان و حامی اسرای کربلا بود و با سخنرانی های کوبنده و قاطع خویش، یزیدیان را رسوا نمود. او پس از بازگشت از شهر شام، در مدینه اقامت گزید و سرانجام در سال ۹۴ یا ۹۵ هجری به شهادت رسید و در قبرستان بقیع در کنار عمویش، امام حسن مجتبی علیه السلام به خاک سپرده شد.^۱

مبحث دوم: القاب و کنیه های امام سجاد علیه السلام

از جمله القاب آن حضرت می توان به زین العابدین، سید العابدین، زین الصالحین، وارث علم النبیین، وصی الوصیین، نگهبان سفارش های پیغمبران، امام مؤمنین، رهبر شب زنده داران، خاشع، شب زنده دار و زاهد عابد، دادگر، گریه کننده، سجاد، ذو الثغفات، پیشوای مردم، پدر ائمه علیهم السلام و نیز زکی، امین و ابن الخیرتین اشاره نمود.^۲

از کنیه های مشهور حضرت می توان ابوالحسن، ابو محمد و ابوبکر و نیز ابو الحسین و ابو محمد را نام برد.^۳

مبحث سوم: شخصیت امام سجاد علیه السلام

در تاریخ مشرق زمین، غیر از اهل بیت پیامبر علیهم السلام، کسی در تقوا و پرهیزگاری، همسان و همطراز امام سجاد علیه السلام نمی شدند. به راستی که سرگذشت آن امام بزرگوار به خاطر شبهت هایی که به برخی پیامبران علیهم السلام دارد، تاریخ زندگی آنان را احیاء می نماید. چرا که ایشان از حیث زهد و توجه به خدا، به

۱. پیشوایی مهدی، سیره پیشوایان، صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۴، شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، صص ۵۷ تا ۵۹.

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۴۲.

حضرت عیسی علیه السلام، از حیث گرفتاری و صبر و تحمل فوق العاده شان به حضرت ایوب علیه السلام و در عزم راستین و اخلاق نیکویش به پیامبر اسلام شباهت داشته، از هر جهت همانند ایشان بودند.^۱

امام سجاد علیه السلام، در روزگار خویش، با وجود اینکه در بیماری و اسارت امویان بود، همچون یک سیاستمدار برجسته و فوق العاده، در صحنه جامعه ظاهر شد و توانست با مهارت و سیاست بسیار دقیق و حساب شده خود، اهداف انقلاب امام حسین علیه السلام را گسترش دهد و ارزش های اصیل این انقلاب را برای همگان روشن سازد.

به راستی که امام سجاد علیه السلام، در روزگاری که حکومت وقت، تمام قوا و ظرفیت های خود را برای سرکوب سازی و فلج نمودن خیزش ها و جنبش های انقلابی به کار گرفته و توانسته بود زندگی مردم را به یک زندگی سست و از هم پاشیده مبدل نماید، برای رهاسازی مردم از آن اوضاع نابه سامان و در هم شکستن جبروت و قدرت پوشالی آنان، در اقدامی بزرگ و دقیق، به روشن کردن افکار عمومی پرداخت.^۲

امام سجاد علیه السلام، جزء نیرومندترین عوامل بقای نهضت پدر بزرگوارشان، امام حسین علیه السلام بود. زیرا که مبارزات ایشان، همه جانبه و فراگیر بود. از جمله انواع مبارزات ایشان می توان به پاسخ های کوبنده امام سجاد علیه السلام نسبت به تحقیر های ابن زیاد، خطبه کوبنده، تأثیر گذار، ارزشمند و سرتاسر بلاغت ایشان در کاخ یزید، گریه های فراوان ایشان بر مصائب پدر بزرگوارشان و در نتیجه تحریم شادی بر خود، انجام فعالیت های علمی، تربیت شاگردان به وسیله تدریس علوم و معارف دینی از جمله فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، علوم تربیتی و اجتماعی و اخلاقی، که البته در میان این علوم، به خاطر تباهی های اخلاقی و دور افتادگی جامعه از دین که توسط حکومت ظالم اموی ایجاد شده بود، امام سجاد علیه السلام به علم اخلاق توجه و اهتمام ویژه تری مبذول داشت.^۳

اما در میان تمام فعالیت ها و آثار امام سجاد علیه السلام، به جرأت می توان گفت که بهترین و بزرگترین سرمایه ای که ایشان برای شیعه به جا گذاشتند، صحیفه سجادیه می باشد که نقش بسیار مؤثر و مهمی در رشد و پرورش فکری، اعتقادی و دینی عصر خویش و سایر اعصار دارد. که بعضاً از آن کتاب گران سنگ به زبور آل محمد

۱. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳.

۲. همان، صص ۱۳ و ۱۴.

۳. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، صص ۱۴ تا ۱۷.

صلی الله علیه و آله و سلم یا انجیل آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، تعبیر می شود و بعد از قرآن و نهج البلاغه، در درجه بعدی اهمیت است.^۱

چند نکته در رابطه با امام سجاد علیه السلام، حائز اهمیت است که در ذیل بیان می گردد:

۱. امام سجاد علیه السلام، در عصر خویش فقیه ترین و آگاه ترین فرد نسبت به امور دینی بوده است.
۲. او بالاترین فرد هاشمی زمان خود، بلکه برترین، پارساترین و زاهد ترین فرد عصر خویش بوده است و این امر به خاطر نسب والا و میراث اخلاقی و ادبی بزرگی است که از پدران بزرگوارش برده است.
۳. ایشان از همه افراد هم عصر خویش، فصیح تر و بلیغ تر بوده است و آثار بسیار بزرگی همچون صحیفه سجادیه، رساله حقوق و... بیانگر این امر می باشد.
۴. ایشان از همه کس، خوش بوتر، خوش خوتر، بخشنده تر و با فضیلت تر بوده است که حتی دشمنان حضرت نیز به این امر اذعان نموده اند و همچنین امام سجاد علیه السلام نسبت به ولایت بر مسلمین نیز، از خلفای هم عصرش شایسته تر بوده است.^۲

فصل دوم: ادله امامت امام سجاد علیه السلام

ادله اثبات امامت امام سجاد علیه السلام را می توان به دو دسته تقسیم بندی نمود.

گفتار اول: ادله عام

منظور از ادله عام، همان ادله ای است که برای اثبات امامت تمام ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده اند و خاص امام سجاد علیه السلام نمی باشند. در اینجا می شود به آیه * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ * ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا و پیامبر خدا و اولو الأمر اوصیای پیامبر را اطاعت کنید.^۳ اشاره نمود.

۱. همان، صص ۱۸ و ۱۹.

۲. همان، صص ۲۱۹ و ۲۲۰.

۳. سوره نساء، آیه ۵۹.

همه مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از اولوا الامر، امامان معصوم علیهم السلام می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی از طرف خداوند متعال و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به آنها سپرده شده است و به غیر آنها را شامل نمی‌شود و البته کسانی که از طرف آنها به مقامی منصوب شوند و پستی را در جامعه اسلامی به عهده بگیرند، با شروط معینی اطاعت آنها لازم است نه به خاطر اینکه اولوا الامرند، بلکه به خاطر اینکه نمایندگان اولوا الامر می‌باشند.^۱

در حدیثی هم ذیل آیه فوق و در مورد مصادیق اولوا الامر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم داریم که خطاب به جابر می‌فرماید: هم خلفائی یا جابر و أئمة المسلمین بعدی أولهم علی بن أبی طالب علیه السلام ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوراة بالباقر و سندرکه یا جابر فإذا لقیته فأقرئه منی السلام ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمیی و کنیی و در این حدیث شریف نام تک تک ائمه معصومین علیهم السلام به عنوان مصادیق اولوا الامر گفته می‌شود.^۲

گفتار دوم: دلیل خاص

مقصود از ادله خاص، آن دسته از ادله ای است که خاص امام سجاد علیه السلام است و امامت او را به طور ویژه اثبات می‌نماید.

تصریح امام حسین علیه السلام به امامت امام سجاد علیه السلام

عبید الله بن عبد الله بن عتبه روایت می‌کند که خدمت حضرت امام حسین ع بودم که علی بن الحسین وارد شد. امام حسین علیه السلام او را پیش خواند و بوسید. عبید الله می‌گوید: عرض کردم یا ابن رسول الله! خدای نخواسته اگر پیش آمدی رخ داد، ما باید از چه کسی پیروی کنیم؟ امام حسین علیه السلام فرمود: همین پسر من علی او امام و پدر امامان است عرض کردم هنوز سنی ندارد و کوچک است و فرمود کوچک نیست. پسرش محمد در نه سالگی شایستگی پیشوائی دارد.^۳

۱. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۰۰، مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۳۶.

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۸۹، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۹.

فصل سوم: سیمایی از انحرافات عصر امام سجاد علیه السلام و شیوه مبارزاتی ایشان

مبحث اول: ویژگی های عصر امام سجاد علیه السلام

اگر بخواهیم چهار ویژگی بسیار مهم برای عصر امام سجاد علیه السلام ذکر کنیم، می توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱. عصر امام سجاد علیه السلام، از یک سو، جزء بدترین اعصار تاریخ اسلام به شمار می آید. چون در این عصر بدترین و فجیع ترین اتفاق تاریخ، یعنی شهادت فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان و هتک حرمت اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به وقوع پیوست که این واقعه و مصیبت عظمی، همواره قلب امام سجاد علیه السلام، می آزرده.^۱ چرا که در این رویداد هولناک و غیر انسانی، ایشان پدر، عمو و نزدیکان خویش را ازدست دادند و شاهد اسارت و آوارگی زنان حرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودند.

۲. از دیگر سو، توصیف دیگری که می توان در رابطه با عصر امام سجاد علیه السلام بیان نمود، این است که، دوره ایشان از جمله دوره های شگفت انگیز و نیز جزء پربارترین و عبرت آموز ترین اعصار تاریخ تشیع به شمار می رود.^۲ زیرا که در این دوره جلوه هایی عظیم و نوین از بیان و ابراز معارف ناب اسلام، توسط امام سجاد علیه السلام، تحقق یافت که تا آن زمان امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، چنین چیزی را، حتی در عصر خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به چشم ندیده بودند. چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خودشان درگیر سه موضوع مهم بودند و مجال زیادی در زمینه فوق نداشتند. درگیری نخست ایشان این بود که چون تازه انقلاب کرده بودند، درگیر تقویت ریشه های انقلاب و تبلیغ و گسترش آن به تمام نقاط عرستان و بلکه به تمام نقاط جهان بودند. چنانکه در جای جای مختلف قرآن کریم بدان اشاره شده است. مثل آیه **﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾**^۳ درگیری و مشغله دوم ایشان، وجود جنگ های داخلی و خارجی بود که دشمنان اسلام قصد داشتند تا با کنار زدن رهبر بزرگ اسلام، این انقلاب نوپا را با ایجاد این جنگ ها، از بین

۱. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، صص ۲۳ و ۲۴.

۲. همان، ص ۵.

۳. سوره یوسف، آیه ۱۰۴ / سوره ص، آیه ۸۷ / سوره قلم، آیه ۵۲ / سوره تکویر، آیه ۲۷.

ببرند و به همان حکومت ظالمانه و سنت ها و آداب دوران جاهلیت برگردانند^۱ و مشغله سوم نیز، به کار بردن تمام همت و سعی خود برای دریافت تمام و کمال و بی عیب و نقص وحی الهی از جانب پروردگار عالم بود.^۲ در دوران امیرالمؤمنین علیه السلام نیز، ایشان در ابتدا با واقعه ثقیفه که که عاملان و مسبب آن نیز همچون عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، قصد برچیدن اسلام را داشتند، روبه رو شدند و البته ایشان به خوبی این موضوع را مدیریت کردند تا در زمان خلافت خلفای ثلاث، برخلاف میل آنان، آسیبی به اصل اسلام وارد نیاید. همچنین ایشان حتی زمانی هم که حکومت را به دست گرفتند، باز هم مشغله جنگ های سه گانه داخلی را به ایشان مجال فعالیت در این زمینه را نمی داد.^۳ همان جنگ هایی که عاملان ایجاد کننده آن جنگ ها، بعضاً از افراد کلیدی و طراز اول انقلاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودند. کسانی مانند طلحه و زبیر که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، سخنانی را در باب تمجید از خدمات آنان در صدر اسلام، بیان فرمود.^۴

اما دوران امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز به جنگ با مخالفانی همچون معاویه بن ابی سفیان، و یزید بن معاویه گذشت.

با این اوصاف، توصیف عصر امام سجاد علیه السلام، به یک دوران پربار، به نظر وصیف براننده ای می رسد. چون که حضرت با تولید آثاری همچون صحیفه سجادیه و رساله حقوق و نیز برگزاری مجالس و کلاس های علمی و... توانستند که بخش زیادی از معارف دینی به جامعه منحرف از اسلام آن عصر برسانند.

۳. ویژگی بعدی، این بود که این عصر، دوران تقابل گروه های سیاسی بود که آنان بدون هیچ گونه پایبندی به اهداف اسلام و برای نیل به مطامع خویش و رسیدن به قدرت، سعی در نابودی یکدیگر داشتند و با این کار خود، تمام کشور را در گرفتاری و مصیبت شدید فرو بردند که ما به عنوان نمونه، می توان به سه حزب مهم اشاره نمود.

۱. سوره توبه، آیه ۱۳.

۲. سوره اعلی، آیه ۶.

۳. جنگ نخست، جنگ جمل یا همان جهاد با ناکثان، جنگ دوم یا همان جهاد با قاسطین و جنگ سوم هم جنگ نهروان یا همان جهاد با مارقین بود. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی ط - الإسلامیة، ج ۵، ص ۳۸، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص: ۱۲۴.

۴. واقدی، محمد بن سعد، ترجمه الطبقات الکبری، ج ۳، صص ۸۹، ۱۸۸، ۱۸۹، الشیبانی، احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد، مسند احمد، ج ۱، ص ۵۵.

نخست حزب اموی که حزب مرفه جامعه و مورد تأییدات و پشتیبانی دولت بودند. دوم حزب زبیری که امید به رسیدن به حکومت را داشتند. سوم هم حزب خوارج که حزبی جامد الفکر و منحط بودند که از اینکه حکومت در انحصار قریشیان باشد، ناراحت بودند.

۴. یکی از رویداد های بسیار مهم و درد آور در عصر امام سجاد علیه السلام، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و اهل بیت ایشان، که حکومت اموی همتی بسیار زیادی برای تحقق آن به کار می برد، واجب نمودن سب امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، در منا، مآذنه ها، خطبه های نماز جمعه بود. به طوری که این کار جزئی از افعال واجب زندگی مسلمانان شده بود. در کنار این فعل قبیح، حکومت ظالم و ستمگر اموی، به طور گسترده به اعمال شیعی دیگر هم چون قتل، سرکوب و آواره کردن شیعیان نیز مشغول بودند. بنابراین شیعیان امتحانات بسیار سخت و دردناکی را از سر گذراندند. در کنار این رویدادهای بسیار دشوار و دردآور، از همه سخت تر برای امام سجاد علیه السلام بود که تمام این وقایع را با چشمان مبارک خویش می دید، اما نمی توانست برای رهایی شیعیان خود، اقدامی انجام دهد.^۱

مبحث دوم: وضعیت شیعیان در عصر امام سجاد علیه السلام

پس از واقعه دردناک و جانسوز کربلاء، شیعیان از لحاظ کمی و کیفی و نیز سیاسی و اعتقادی، در شرایط مناسبی قرار نداشتند. زیرا که انعکاس اخبار مربوط به واقعه کربلاء، خود عاملی برای گسترش رعب و وحشت در میان پیروان اهل بیت علیهم السلام بود. چرا که همه دریافته بودند امویان برای رسیدن به اهداف شوم خود، از هیچ کاری و هیچ جنایتی، حتی قتل اولاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز ابایی ندارند. این رعب و وحشت ایجاد شده در میان شیعیان، با وقوع فاجعه حرّه و سرکوب شدید و بی رحمانه نهضت مردم مدینه توسط عمال یزید در سال ۶۳ هجری، تشدید شده، سبب ضعف، سستی و فروپاشی شیعیان گردید. به طوری که امام سجاد علیه السلام فرمود: ما بمکه و المدینه عشرون رجلا یحبنا، در مکه و مدینه، بیست نفر نبودند که ما را دوست داشته باشند.^{۲ ۳}

اوضاع شیعیان به گونه ای بود که، مسعودی در اثبات الوصیه می نویسد: علی بن الحسین علیهما السلام، امامت را با تقیه شدید، مخفیانه و در عصری سخت و دشوار عهده دار گردید.^۴ در این دوره حتی جان امام سجاد علیه

۱. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ج ۱، صص ۲۳ تا ۲۶.

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص: ۱۴۳.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۱۰۴ و جعفریان، رسول، تاریخ خلفاء، ج ۲، ص ۶۱۳.

۴. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، ص ۱۶۸.

السلام نیز از گزند امویان در امان نبود. چرا که حجاج، آنگاه که می بیند که که امام سجاد علیه السلام به یک مرجع فکری هاشمیین و شیعیان برای قیام علیه امویان تبدیل شده است، در نامه ای به عبد الملک بن مروان می نویسد: اگر که قصد تثبیت حکومت خود را داری، علی بن حسین علیهما السلام را به قتل برسان!.^۱ شیخ مفید به نقل از امام صادق علیه السلام می گوید: مردم پس از شهادت حسین بن علی علیهما السلام، به جز سه نفر، یعنی ابو خالد کابلی، یحیی بن ام طویل و جبیر بن مطعم، از خاندان نبوت فاصله گرفتند و از دین برگشتند و پس از مدتی کسانی دیگر به آنان پیوستند و بر شمار آنان افزوده شد.^۲

بنابراین در چنین شرایط اختناقی که حکومت اموی ایجاد کرده بود و با تعداد اندک شیعیان و نیز تحت نظر بودن تمام حرکات و سکنات شیعیان، هرگونه تلاش و جنبش برای حرکت مسلحانه علیه حکومت وقت، محکوم به شکست قطعی بود. برای نمونه هنگامی که جواسیس عبد الملک برای او گزارش آوردند که امام سجاد علیه السلام، با کنیز آزاده شده خویش، ازدواج کرده است، عبد الملک برای این که به امام سجاد علیه السلام هشدار دهد که تمام کارهای اعم از خصوصی و غیر خصوصی ایشان تحت نظر اوست، در نامه ای به امام سجاد علیه السلام، مراتب اعتراض خود را به او رساند و او را به ترک این ازدواج و وصلت با هم شأنش فراخواند.

در عهد اموی، عهد مالی اهل بیت علیهم السلام، نیز چندان قابل تعریف نبود. به گونه ای که حاکم عراق درباره ایشان می نویسد: اهل این طائفه از بنی هاشم از شدت گرسنگی رو به هلاکت بود. به گونه ای که تمام تلاش آن ها، تهیه مخارج یک روز خودشان بود.

در عصر حاکمیت عبد الملک، به ویژه در زمان استانداری حجاج بر کوفه و بصره، سخت ترین دوران تشیع در طول تاریخ بوده است. امام باقر علیه السلام در حدیث شریفی، عصر حجاج را چنین توصیف می نماید: حجاج شیعیان را به بدترین وضع به قتل می رساند و با کوچکترین سوء ظنی آنان را دستگیر می نمود و در نزد او کافر و زندیق بودن از شیعه علی بودن، بسیار بهتر و پسندیده تر بود.^۳

۱. کورانی عاملی، علی، جواهر التاریخ، ج ۴، ص ۲۲۴.

۲. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۶۴.

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص: ۶۹، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴ و جعفریان، رسول، تاریخ خلفاء، ج ۲، ص ۶۰۹.

در این دوره چند تن از شیعیان از جمله کمیل و قنبر به دست حکومت به شهادت رسیدند و شیعه نیز به جای اظهار محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام، راه تقیه را در پیش گرفت و در عرصه تبلیغ نیز، تمام فعالیت هایش تحت نظر و نهضتهایش محکوم به شکست بود. در این اوضاع نابه سامان تشیع، امام سجاد علیه السلام نیز با ظهور در سیمای یک فقیه، مفتی و محدث و راوی روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، محل رجوع شیعه و سنی قرار گرفت.^۱

مبحث سوم: شیوه مبارزاتی امام سجاد علیه السلام

حال با توجه به مطالب بالا، امام سجاد علیه السلام، جنگ نرم را جایگزین جنگ سخت نمود و یک مجموعه برنامه های فرهنگی، تربیتی و مبارزات غیر مستقیم را در پیش گرفت. در این بخش مختصراً به شیوه های تبلیغی امام سجاد علیه السلام، اشاره می گردد.

گفتار اول: زنده نگه داشتن جنبش سرخ عاشورا

شهادت امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام او و یارانش، چهره امویان را کاملاً مخدوش و مشروعیت آنان را زیر سؤال برد. بنابراین امام سجاد علیه السلام با گریه بر شهدای کربلاء و احیای یاد و نام و نهضت آنان، در راستای هرچه بیشتر رسوا نمودن امویان به تلاش ها و مبارزات خود ادامه داد. سوای اینکه این گریه های امام سجاد علیه السلام، ریشه و منشأ عاطفی داشته است، اما این عمل امام سجاد علیه السلام، قطعاً اثرات سیاسی بسیار فراوانی نیز داشته است. چرا که موجب جلوگیری از فراموش شدن جنایات امویان نسبت به مقتولین کربلاء می شد.^۲

از جمله مصادیق این کار می توان به گریه های فراوان آن حضرت در هنگام مشاهده آب یا هنگام یادآوری شهادت امام حسین علیه السلام اشاره نمود و هنگامی که از حضرت علت گریه های فراوان او را جویا می شدند، می فرمود: حضرت یعقوب علیه السلام، هنگامی یوسف خود را ناپدید یافت، آن قدر در فراق او گریست تا چشمانش نابینا شد، در حالی حضرت یوسف علیه السلام، زنده بود. حال شما چطور از من انتظار دارید، محزون نباشم در حالی که من خودم ناظر بر شهادت پدر و بستگانم بوده ام؟!^۳

۱. رنجبر، محسن، بررسی نقش امام سجاد علیه السلام در رهبری شیعه پس از واقعه کربلا، صص ۳۱ تا ۳۵.

۲. پیشوایی مهدی، سیره پیشوایان، صص ۲۵۹ تا ۲۶۰.

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، ج ۴۶، صص ۱۰۸ تا ۱۱۰ و ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۱۰۷ و پیشوایی مهدی، سیره پیشوایان، ص ۲۶۰.

گفتار دوم: پند و ارشاد

به علت اختناقات موجود در جامعه آن عصر، امام سجاد علیه السلام قادر نبود که تمام مفاهیم و معارف دینی را به طور صریح بیان نماید، از این رو چاره ای جز بیان آن معارف، در قالب موعظه و پند و ارز نداشت و از این طریق اندیشه های درست و اصیل اسلامی را که دشمنان دین آن ها را تحریف کرده یا از بین برده بودند، به مردم می آموخت. این شیوه امام سجاد علیه السلام علاوه بر اینکه موجب احیاء معارف دین و امانت تحریفات می گشت، بر ضد دستگاه حکومتی بود و از سوی دیگر، برای حکومت اموی، حساسیت برانگیز هم نبود. امام سجاد علیه السلام، همچنین در این میان به تبیین مفهوم، مصادیق و وظائف امامت نیز می پرداخت و نیز مردم را از این طریق با چهره پلید و شوم دستگاه حکومت امویان آشنا می نمود.^۱

گفتار چهارم: تبیین معارف دین در قالب دعا

با توجه به اینکه دعا پیوندی معنوی میان انسان و آفریدگار خویش است، امام سجاد علیه السلام از همین ابزار به عنوان یک ابزار معرفتی برای شناخت اصول و احکام دین که تا آن زمان به طور کامل به فراموشی سپرده شده بود، استفاده کرد و او توانست معارف دین را به واسطه این ابزار و در قالب بهترین و فصیح ترین و پرمعناترین عبارات و الفاظ بیان نماید. چرا که همانطور که ابن ابی الحدید معتزلی درباره کلام امیرالمؤمنین علیه السلام تعبیر دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوقین، پایین تر از کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوقین است.^۲ به کار برده است، همین تعبیر را در مورد کلام زیبای امام سجاد علیه السلام می توان به کار برد. چنانچه برخی ها اعم از مخالف و موافق این تعبیر را در مورد کلام امام سجاد علیه السلام به کار برده اند.^۳

۱. پیشوایی مهدی، سیره پیشوایان، صص ۲۶۱ و ۲۶۲.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۴.

۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۱۰، این مطلب در پاورقی و به نقل از آیت الله مرعشی نجفی و طبق نامه علامه جوهری طنطاوی به ایشان، ذکر شده بود. و مدنی شیرازی، سید علی خان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۷، ص ۴۴۸، این مطلب به نقل از مؤلف کتاب، سید علی خان مدنی شیرازی بیان شده بود.

فصل سوم: انحراف و انواع آن و بررسی انحرافات عصر امام سجاد علیه السلام

مبحث اول: تعریف انحراف

چنانچه در کتب لغت آمده است، انحراف را عدول و کجروی معنا کرده اند. یعنی وقتی انسان از چیزی برمی گردد و مسیر خود را نسبت به آن کج می کند، گفته می شود که او منحرف شده است.^۱

مبحث دوم: انواع انحراف

انحرافات می توانند انواع و اقسام مختلفی داشته باشند. انحرافات اعتقادی، اخلاقی، احکامی و... بنابراین با توجه تعریف انحراف می توانیم انحراف اعتقادی را این طور معنا کنیم شخصی مسیر خود را از اعتقادات حقه کج کند و به سوی اعتقادات باطل رهسپار گردد. یا درباره انحراف اخلاقی بگوییم که شخص به جای اینکه در مسیر رعایت موازین اخلاقی گام بردارد، قدم در مسیر کارهای غیر اخلاقی بردارد. بنابراین انحراف می تواند شامل انواع کجروی ها باشد.

مبحث سوم: برخی از انحرافات عصر امام سجاد علیه السلام

گفتار اول: نمونه هایی از انحرافات اعتقادی

الف) غلو نسبت به معصومین علیهم السلام

یکی از انحرافات بزرگ درون مذهبی شیعه، بحث غلو نسبت به شخصیت و جایگاه اهل بیت علیهم السلام است. غلو درباره ایشان به معنی این است که شخصیت و جایگاهشان را از حدّ بندگی بالا ببریم و در حدّ جایگاه خداوند متعال قرار دهیم و معتقد به الوهیت آنان شویم. بنابراین امام سجاد علیه السلام نسبت به این عقیده باطل و فاسد هشدار داد و فرمود: *إن قوماً من شیعتنا سیحبونا حتی یقولوا فینا ما قالت الیهود فی عزیر و ما قالت النصارى فی عیسی ابن مریم فلا هم منا و لا نحن منهم*.^۲ گروهی از شیعیان ما هستند که آن قدر ما را دوست خواهند داشت که درباره ما چیزهایی را می گویند که یهودیان درباره عزیز و مسیحیان درباره حضرت عیسی علیه

۱. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۱۳۰ و ابن منظور، محمد بن مکرم، جمال الدین، لسان العرب، ج ۹، ص ۴۱.

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۸۸.

السلام، آن سخنان را نگفته اند. پس ما، اهل بیت علیهم السلام، هیچ ارتباطی با آنان نداریم. چنانکه امیر المؤمنین، امام الزاهدین علیه السلام در مناجات خود در ماه شعبان، این چنین می فرماید: إلهی أنا عبدك الضعیف المذنب و مملوكك المنیب خدایا من بنده ضعیف و گنهکار و مملوک توبه کار تو هستم.^۱ همانطور که ملاحظه می شود، امیرالمؤمنین علیه السلام، خود را بنده خطاب می نماید. پس ما نباید خود را جلوتر از آنان بدانیم و آنان را نباید از همان توصیفات که خودشان فرموده اند، بالاتر توصیف نماییم.

(ب) تشبیه

یکی از عقائدی که در عصر امام سجاد علیه السلام فراموش شده بود، تنزیه پروردگار از تشابه به مخاوقات است. در آن عصر یک عده ای از علمای درباری و دین فروش، عقیده به تجسیم و تشبیه را ترویج دادند. امام سجاد علیه السلام هنگامی که متوجه ترویج چنین عقیده باطل و فاسدی شدند، با قاطعیت به مبارزه با آن پرداختند^۲ که بحث درباره آن خواهد آمد.

(ج) تشکیک نسبت به امامت امام سجاد علیه السلام

با شهادت امام حسین علیه السلام، تا حدودی شیعه که با محوریت امام حسین علیه السلام فعالیت های مبارزاتی گوناگون خویش را پیش می برد، از هم پاشید. چرا که هنوز عده ای با وجود تصریح امام حسین علیه السلام به امامت فرزندش امام سجاد علیه السلام و الزام ام سلمه نسبت به ردّ ودایع به او، اکثر شیعیان در امامت امام سجاد علیه السلام شک داشتند و متمایل به پذیرش امامت عموی او، محمد بن حنفیه، بودند. قرینه دیگر که می توان بر امامت امام زین العابدین علیه السلام ذکر نمود، وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که طبق نصوص شیعه باید حسین علیه السلام و نیز وجود زره و یا شمشیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که طبق نصوص شیعه باید نزد وصی او باشد که طبق تصریح همه علماء از جمله علمای اهل سنت، وجود این ها نزد امام سجاد علیه السلام، به اثبات رسیده است.^۳ از جمله این افراد، قاسم بن عوف بود که به تصریح خویش میان امام سجاد علیه السلام و محمد بن حنفیه مردد بود و نیز ابو خالد کابلی، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، در ابتداء، از پیروان محمد بن حنفیه بود.^۴

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۹.

۲. شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۵۳.

۳. جعفریان، رسول، تاریخ خلفا، ج ۲، ص ۶۰۹.

۴. رنجبر، محسن، بررسی نقش امام سجاد علیه السلام در رهبری شیعه پس از واقعه کربلا، صص ۴۰ و ۴۱.

(د) ارجاء یهودی

این عقیده ارجاء که ریشه در تفکرات یهودیان دارد، اشاره دارد به این مطلب که صرف اعتقاد به خدا و توحید، موجب دخول در بهشت می گردد و از سوی دیگر، خداوند متعال فقط نژاد یهود را برگزیده است و گنه کاران یهودی را پس از مدت کوتاهی عذاب به بهشت برین رهنمون خواهد ساخت و از همین جا بود که خلفای قریش نیز همین باور فاسد را در میان مردم گسترش دادند.^۱ و همین برتری داشتن یهود نسبت به سایر اقوام، آن هم بدون انجام هیچ عمل صالحی و فقط با صرف اعتقاد به خداوند متعال، تا زمان کنونی نیز ادامه دارد و موجب شده است تا آن ها خود را مالک فلسطین اشغالی بدانند و در صدد تصاحب و مالکیت تمام جهان باشند. در حالی که خداوند متعال این باور فاسد یهود را در قرآن کریم آورده و در ادامه خط بطلانی بر روی آن کشیده است و صریحاً هرگونه تبعیض میان افراد و قومیت ها را در طریقه رسیدن به بهشت، منتفی دانسته است. در سوره بقره داریم: *قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّاماً مَّعْدُودَةً*^۲ و یهودیان گفتند: هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.. اما این در حالی است که در آیه بعد، قرآن کریم این سخن آنان را رد کرده، انسان آلوده به گناه و معصیت را جاودانه در جهنم معرفی می نماید. در آنجا که می فرماید: *بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ*^۳، آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند و جاودانه در آن خواهند بود.^۴

۱. کورانی عاملی، علی، جواهر التاریخ، ج ۴، ص ۲۲۶.

۲. سوره بقره، آیه ۸۰.

۳. سوره بقره، آیه ۸۱.

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۲۲.